



## جایگاه خمس و زکات در اقتصاد اسلامی

سیده منوره بحرالعلومی طباطبایی

دانش آموخته سطح ۲ مدرسه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها

### چکیده

موثرترین عوامل رشد فرهنگی و سیاسی و هنری و... در جامعه بشری اقتصاد است. اسلام برای حفظ ارزش های اقتصادی و حمایت از مستمندان خمس و زکات را که به عنوان یکی از بزرگترین خدمات اجتماعی، اقتصادی است را واجب کرده است. اگر این فریضه به طور کامل در جامعه اجرا شود شکاف بین طبقه غنی و فقیر از بین می رود و عدالت در جامعه برقرار می شود. کلید واژه این تحقیق، خمس، زکات، اقتصاد اسلامی است.

**واژگان کلیدی:** اقتصاد، خمس، زکات، عدالت.

### طرح مسئله

مال در سرنوشت مادی و دنیوی و اخروی بشر نقش بسزایی دارد، از این رو دین برای حفظ ارزش های اقتصادی و حمایت از طبقات مستضعف و برقراری عدالت و ریشه کن کردن فقر در جامعه، خمس و زکات را که یکی از عالی ترین جهات اجتماعی، اقتصادی است. زمانی که میزان مال و درآمد از حد مشخصی که تعیین شده باشد بگذرد، مقرر و فرض نموده است تا اموال و نفوسمان پاک و تزکیه گردد.

این پژوهش سعی در بررسی و تبیین نقش خمس و زکات در متون دینی و اقتصاد اسلامی دارد و ضمن بررسی رابطه عدالت اجتماعی و زکات و نقش آن در فقرزدایی جامعه به بیان آثار دنیوی و اخروی این دو مهم می پردازد.

## واژه اقتصاد

در لغت عربی به معنای اعتدال و میانه روی است و رد قرآن مجید به همین معنا به کار رفته نصایح لقمان حکیم به فرزند خود «وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ...» «لقمان، آیه ۱۹») یعنی در رفتار خود میانه رو باش و امیر مومنان در وصیت خود به حضرت مجتبی می فرماید: «و اقصد یا بنی فی معیشتک و اقصد فی عبادتک» (عباس قمی، سفینه الجار، ج ۲، ص ۴۱۰) فرزندم در اموری که با وضع مالی زندگی تو ارتباط دارد و همچنین در عبادت خود میانه رو باش و از افراط و تفریط اجتناب کن در اصطلاح اقتصاد بر آن قسمت از قواعد و مقررات گفته می شود که براساس جهان بینی الهی پی ریزی شده است که به کار بستن و رعایت آن تولید به حد کفایت می رسد و ثروت به طور عادلانه توزیع می شود. (حسین نوری، اقتصاد اسلامی)

اقتصاد: ۱- میانجی شدن ۲- میانه نگاه داشتن ۳- به اندازه خرج کردن ۴- تعادل دخل و خرج را حفظ کردن ۵- میان کاری ۶- میانه روی در هر کار به اندازه خرج کردن.

**علم اقتصاد:** یکی از رشته های علوم اجتماعی است که در باب کیفیت فعالیت مربوط به دخل و خرج و چگونگی روابط مالی افراد جامعه با یکدیگر و اصول و قوانینی که بر امور مذکور حکومت می کند و وسایلی که باید در عمل با توجه به مقتضیات زمان و مکان اتخاذ شود تا موجبات سعادت و ترقی جامعه و رفاه تامین گردد بحض می کنند. (محمد معین، فرهنگ معین ۲، ص ۲۶۵)

**خمس:** یک پنجم. پنج یک هر چیز ۲. پنج یک سود تجارت یا غنیمت که مسلمانان پردازند. (همان، ص ۱۱۵۴)

**زکات:** ۱- خلاصه چیزی، برگزیده شی ۲- آن چه به حکم شرع درویش و مستحق را دهند و این کار بر مسلمانان فرض است، رسم الخط صحیح آن در عربی زکاه و در رسم الخط قرآن "زکوه" است ولی به شیوه نویسندگان ایرانی "زکات" صحیح است. (همان، ص ۱۴۰۹)

## اصطلاح خمس و زکات

خمس چیزی است که خداوند متعال، آن را برای محمد صلی الله علیه و ذریه اش به منظور احترام به آنان عوض زکاتی که از آلودگی های دست های مردم است قرار داده است و کسی که یک درهم از آن را جلوگیری کند جزء ستم کنندگان به آن ها و غصب کننده های حق آنان می باشد.

و از حضرت امام باقر علیه السلام است که: برای احدی حلال نیست که چیزی از خمس بخرد تا اینکه حق ما به ما برسد. (خمینی، ترجمه تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۷۹)

خمس به شش سهم تقسیم می شود: یک سهم برای خدای متعال، یک سهم برای پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و یک سهم برای امام علیه السلام و الان این سه سهم مال حضرت صاحب الامر ارواحنا له الفدا می باشد و سه سهم دیگر مال یتیمان، مساکین و ابن سبیل هاست. از میان کسانی که از طرف پدر به حضرت عبدالمطلب، انتساب دارند، پس اگر از طرف مادر به او نسبت پیدا کند، بنا به قول صحیح تر، خمس برایش حلال نیست، صدقه برای او حلال است. (همان، ص ۱۰۵)

خمس در هفت چیز واجب است: اول منفعت کسب دوم معدن سوم گنج چهارم مال حلال مخلوط به حرام پنجم جواهری که بواسطه غواصی یعنی فرو رفتن در دریا به دست می آید. ششم غنیمت جنگ هفتم زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد.

## زکات

زکات نه چیز واجب است: اول گندم دوم جو سوم خرما چهارم کشمش پنجم طلا ششم نقره هفتم شتر هشتم گاو نهم گوسفند و اگر کسی مالک یکی از نه چیز باشد باید مقداری را که معین شده و به یکی از مصارف که دستور داده اند برساند. (توضیح المسائل ده مرجع، ص ۱۰۲)

## مستحقین زکات و مصرف آن ها

و آن هشت مورد است: اول و دوم: فقراء و مساکین و مساکین حالش بدتر از اولی - نیازمندتر است - و آن ها کسانی هستند که مخارج سال خود و کسانی که عهده دار خرج آنان اند را به نحوی که شایسته آن ها است ندارند سوم: عاملین زکات و آن ها

کسانی اند که در جمع آوری زکات کوشش می کنند و از طرف امام علیه السلام یا نایب او برای گرفتن، نگهداری و حسابرسی منصوب شوند که برای آنان مقابل کارشان سهمی از زکات قرار داده شده هرچند بی نیاز باشند. چهارم: «مولفه قلوبهم» و آنان کافرهایی هستند که هدف آن است که به جهاد کردن برای اسلام یا به دین اسلام مایل می شوند. و عقایدشان ضعیف است که به خاطر تالیف قلوبشان به آن ها زکات داده می شود.

پنجم: بنده ها و برده هایی هستند که با مالک خود قرار کتابت بسته اند (که در مقابل پرداخت مبلغی آزاد شوند) و از پرداختن مال الکتابه ناتوان باشند و بنده هایی که نزد مالک خود به شدت و سختی به سر می برند.

ششم: بدهکاران و آن ها کسانی هستند که بدون اسراف و معصیت بدهکار شده اند و توان پرداخت آن را ندارند اگرچه مخارج سالشان را داشته باشند.

هفتم: فی سبیل الله و بعید نیست که «سبیل الله» همان مصالح عمومی اسلام و مسلمین باشد مانند ساختن پل، ایجاد و اصلاح راه و خیابان و یا جلوگیری از فتنه و فساد از حوزه اسلام

هشتم: ابن السبیل؛ و آن کسی است که در غربت در مانده شده اگرچه در شهر خودش بی نیاز باشد، در صورتی که سفر او مباح باشد. (همان، ص ۴۷)

### اهمیت و ضرورت طرح مسائل اقتصادی در اسلام

اسلام پس از اینکه در زمینه اقتصادی قوانین خاصی وضع می کند و فرهنگ و مکتب مخصوصی تاسیس می نماید یکی از درس های مهمی که می دهد و با تاکید فراوان از اهمیت و نقش آن سخن می گوید لزوم طرح نقشه لزوم طرح نقشه اقتصادی صحیح است منظور از این عبارت این است که بر هر فردی یا جمعیتی اعم از یک خانواده یا ملت لازم است که یک نقشه اقتصادی بر اساس سنجش میزان درآمد و تولید با مقدار مخارج و مصرف و احتیاجات خود تنظیم کنند که مقدار مخارج آن ها از تولید و درآمدشان بیشتر نباشد.

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: اصلاح امور مردم جز بوسیله این سه موضوع

تحقق پیدا نمی کند. ۱. تفقه در دین یعنی شناخت کامل فرهنگ و قوانین اسلامی ۲. صبر و تحمل در برابر مشکلات زندگی ۳. تقدیر و معیشت یعنی تنظیم نقشه اقتصاد زندگی بر اساس محاسبه و اندازه گیری درآمد و مخارج. خرج کردن مال در صورتی که با رعایت موازین عقلی و شرعی توأم نباشد اسراف است.

و چون اسراف به معنای عدم رعایت حد و مرز در خرج مال است باید مرزهای احتیاج کاملاً شناخته شود تا اموال در خارج از مرزهای احتیاجات زندگی خرج نشود بنا به توضیحی که داده شد این نکته روشن می شود که «اسراف» نقطه مقابل «اقتصاد» به معنای میانه روی و رعایت کاعتدال در خرج مال است و لزوم رعایت اعتدال در صرف مال و شناخت اصول رفتار اقتصادی یک قانون کلی است که تجاوز از آن حتی در راههای خیر نیز جایز نیست. (نوری، اقتصاد اسلامی)

### خمس در آیات

« وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ أَجْمَعِينَ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ » (انفال، آیه ۴۱)

بدانید که آنچه غنیمت بدست آوردید همانا برای خدا است پنج یک آن. و برای پیامبر و برای نزدیکان و یتیمان و بینوایان و درماندگان راه است.

**روایات:** پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: نه از این غنیمت [جنگی] و نه از این کرک کوهان شتری، چیزی جز خمس، از آن من نیست و همان خمس هم به شما برگردانده می شود؛ پس حتی نخ و سوزن [غنیمتی] را هم بدهید. (محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ص ۵۰۸)

### مصارف خمس در روایات

قال الصادق علیه السلام: «إِنَّ أَلَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سَمَا حَرَمَ عَلَيْنَا الصَّدَقَةَ أَنْزَلَ لَنَا الْخَمْسَ، فَالصَّدَقَةَ عَلَيْنَا حَرَامٌ وَالْخَمْسَ لَنَا فَرِيضَةٌ، وَ الْكِرَامَةَ لَنَا حَلَالٌ».

امام ششم می فرماید: همانا خداوند که نیست خدایی بجز او چون صدقه را بر ما حرام

نمود، خمس را برای ما نازل کرد؛ پس صدقه بر ما حرام و خمس برای ما واجب است و کرامت برای ما حلال است. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۱۹۹)

### پیامدهای عدم پرداخت خمس:

و نیز می فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ بِقَاعاً نَسَمِي فَإِذَا أُعْطِيَ عَبْدٌ مَالاً لَمْ يَخْرُجْ حَقَّ اللَّهِ مِنْهُ تَسَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِقَعِهِ مِنْ تَلْكَ الْبِقَاعِ فَاتْلَفَ ذَلِكَ الْمَالِ فِيهَا ثَمَّ مَاتَ وَ تَرَكَهَا» امام صادق علیه السلام می فرماید: برای خدا زمین هایی است که انتقام گیرنده نامیده می شود، چون خدا به بندی ای مالی دهد که حق خدا را از آن مال ندهد، خدا یکی از این زمین ها را بر او استیلا دهد، که این مال را در آن زمین نابود کند. پس از آن بمیرد و آنرا واگذارد. (همان)

### آثار زکات از دیدگاه قرآن و سنت

«... وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مزل، آیه ۲۰)

نماز به پا دارید و زکات بپردازید و به خدا قرض الحسنه بدهید و هر کار خوبی برای خود پیش فرستید آن را نزد خدا بهتر و با پاداشی بزرگتر باز خواهید یافت.

«خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (توبه، آیه ۱۰۳)

از اموال آن ها صدقه بگیر تا بدان پاکشان کنی و رشدشان دهی، و دعایشان کن که دعای تو آرامشی برای آن هاست و خدا شنوای داناست. «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ - الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ - وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ - وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ» (مؤمنون، آیات ۱-۴)

به راستی که مومنان رستگارند آنان که در نمازشان خاشع اند آنان که از بیهوده روی

گردانند و آنان که زکات می پردازند.

حسن بن عبدالله علیهم السلام: قال ما من رجل ادى الزكاه فنقصت من ماله و لا

منعها احد فزادك فى ماله

امام ششم علیه السلام می فرماید: مردی نیست که زکات بدهد و مالش کم شود، و نیست کس که خودداری کند از دادن زکات و مالش افزون گردد. ( کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۴-۵)

امیرالمومنین علیه السلام می فرمایند: بر شما باد به زکات دادن که از پیامبر شما شنیدیم که می فرمود: زکات پل اسلام است، هرکس زکات دهد از پل گذشته و هرکس زکات ندهد از پل نگذرد، و زکات خشم و غضب آتش را خاموش گرداند. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۴)

### مستحق زکات در روایات

امام صادق علیه السلام در گفته خدای عز و جل می فرماید: « انما الصدقات للفقراء و المساکین »: فقیر آنست که از مردم سؤال نمی کند و مسکین بیچاره تر از فقیر است و بئس از همه بیچاره تر است، پس هرچه خدای بر تو واجب کرده آشکارا دادن آن از نهان دادن برتر است و آنچه مستحب است نهانش بهتر از آشکار دادن آن است، و اگر آدمی زکات مالش را بر دوشش حمل کند و آن را آشکارا تقسیم کند این کار نیکو و پسندیده است. ( کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۵۰۱)

عامربن جذاعه گوید: شخصی نزد امام صادق علیه السلام عرض کرد: قرضی به من بدهید تا آن هنگام که توانایی پیدا کنم و قرض شما را ادا کنم فرمود آیا سود مستقل و یا کرایه خانه ای داری که قرضت را ادا کنی؟ عرض کرد: نه به خدا قسم فرمود قصد تجارتی دارد؟ عرض کرد نه به خدا سوگند، فرمود: آب و ملکی داری می خواهی بفروشی؟ عرض کرد نه به خدا سوگند حضرت فرمود: پس تو از کسانی هستی که خداوند برای تو در اموال ما حقی قرار داده است.

آنگاه دستور داد کیسه درهمی آورند و دست در آن کرد و یک هشتم از آن درهم ها را

به او داد و فرمود: از خدا بپرهیز و اسراف مکن و بر خود سخت مگیر و میانه رو باش در خرج کردن زیرا تَبذیر از اسراف است و خداوند می فرماید: «...وَلَا تُبْذِرْ تَبْذِيرًا» (اسراء، آیه ۲۶) یعنی بیهوده از اندازه مده در حالی که تبذیر کننده ای.

### اقسام زکات

امام صادق علیه السلام می فرماید: بر هر جزئی از اجزای زکاتی واجب است از جانب خداوند، بلکه بر هر موئی و بر هر نگاهی؛ پس زکات چشم نگاه کردن است برای عبرت و پند گرفتن و چشم پوشی از شهوات است. زکات گوش شنیدن علم و حکمت و قرآن است و دوری کردن از ضد آن ها از دروغ و غیبت و مانند آن ها است. زکات زبان نصیحت به مسلمانان و بیدار کردن غفلت زدگان و تسیح کردن و ذکر گفتن است. زکات دست بخشندگی و عطا و سخاوت است و به این دست دانش ها را بنویسی و سود رسانی به آن مسلمانان را در راه اطاعت خداوند. زکات پا تلاش در راه حقوق الهی، از دیدار افراد شایسته و رفتن به مجلس های ذکر و یاد خدا، اصلاح کار مردم و جهاد آن چیزی است که خداوند جز بندگان مقرب و مخلص خود را به آن مشرف نمی گرداند. (بحارالانوار، جلد ۲۰، ص ۳)

و امام صادق می فرماید: کار نیک کردن، زکات نعمت ها است و شفاعت زکات جاه و مقام است و بیماری ها زکات بدن هاست و عفو و بخشش زکات پیروزی است و آنچه زکاتش داده شده از اینکه از بین برود در امان است. (حرانی، تحف العقول، ص ۳۸۱)

### نقش زکات در اقتصاد اسلام و مسلمین

پول در تدارک زندگی و اقتصاد مالی و سرنوشت مادی و معنوی بشر نقش بنیانی و اساسی دارد. بوسیله پول و مال همه نیازمندیهای مادی و معنوی، دینی و اخروی بشر تاءمین می گردد، اما وقتی میزان مال و درهم و دینار از حد معمول و هزینه زندگی بیشتر گردد و به حد نصاب برسد خمس یا زکات بر آن تعلق می گیرد. تا که اموال و انفسشان تزکیه گردد و پاک شود.

بینیم امامان معصوم علیهم السلام در این مورد چه دستور العملی صادر کرده اند. از امام باقر علیه السلام در مورد درهم و دینار، پرسیدند، حضرت فرمود:

«انه سئل عن الدنانير و الدرهم و ما عمل الناس فيها».

امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش، امام باقر علیه السلام روایت می کند که از حضرتش پرسیدند از درهم و دینار و آنچه مردم با آن عمل می کنند؟ حضرت فرمود: «هی خواتیم الله فی ارضه جعلها الله مصلحة لخلقه و بها تستقیم شؤونهم و مطالبهم، فمن اكثر له منها بحق الله فيها و اءدی زکاتها فذک الذی طابت و خلصت له و من اكثر له منها فبخل بها و لم یؤد حق الله فيها و اتخذ منها الانیة فذک الذی حق علیه و عیدالله عزوجل فی کتابه یقول الله تعالی : یوم یحیی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم و جنوبهم و ظهورهم هذا ما کنزتم لا نفسکم فذوقوا ما کنتم تکنزون». (حرانی، تحف العقول، ص ۳۸۱)

امام باقر علیه السلام فرمود:

درهم و دینار، خواتیم و مهرهای خداوند در روی زمین است که خداوند آن را برای مصلحت بندگانش قرار داده است، که بوسیله درهم و دینار بندگان خدا شئون و خواسته های خویش را حفظ و هماهنگ می گردانند و بدست می آورند، پس کسیکه درهم و دینار، زیاد بدست آورد، حقوق الهی را بپردازد و زکات مال دهد، پس در اینصورت این مال برای او پاک و خالص است و اگر مالداری بخل ورزد و حق الله را نپردازد و آن را فقط برای دنیای خویش برگیرد، چنین کسی سزاوار است به عذاب خداوند در کتابش تهدید شود، در آنجا که می فرماید:

در آن روز که آن درهم و دینار را در آتش جهنم گرم و گداخته کرده، و با آن صورتها و پهلوها و پشتهای ایشان را داغ می کنند (و به آن ها می گویند): این همان چیزی است که برای خود اندوخته اید، (و گنجینه ساخته اید) پس بچشید چیزی را که برای خود می اندوختید، روزیکه افروخته می شود بر آن ها در آتش دوزخ، پس داغ کرده می شوند به آن ها پیشانی هاییشان و پهلوهاییشان و پشتهاییشان، این است آنچه نهفته و گنجینه کرده اید برای خودتان، پس بچشید آنچه گنج کرده اید.

بعضی از بندگان خداوند اگر مال ندارند مصلحتی است، چرا که ممکن است از عهده اداء حقوق الهی برنیابند و بعضی از انسان ها از مال و دارائی فراوان برخوردارند و به کمال جسارت و وقاحت نمک خورده و نمکدان را می شکنند و اینان در خطر عظیم اند. در ضمن روایتی از حضرت امام رضا علیه السلام آمده که حضرت فرمود:

«ان صاحب النعمة علی خطر انه علیه حقوق الله فیها...» (کلینی، فروع کافی، ج ۳، ص ۵۰۲)

براستی صاحب نعمت در خطر است، چرا که حقوق الهی بر اموال او تعلق می گیرد و خمس و زکات بر ثروت او واجب می گردد و چه بسا ایمانی که او را وادار به پرداخت حقوق الهی کند ندارد و یا ضعیف است، لذا همین نعمت باعث هلاکت او می شود.

#### منت خدای را که به پرداخت زکاتم توفیق داد

حضرت امام رضا علیه السلام در مورد شخص خویش با تاءکید و سوگند، می فرماید: « والله انه علی النعم من الله عزوجل فما ازال منها علی وجل (و حرک یده ) حتی خرج من الحقوق التي تجب لله علی فیها ».

سوگند به خدا براستی برای من از جانب خداوند عزوجل ثروتی و نعمتی بود، پس علی الدوام از آن ثروت در بیم و هراس بودم، راوی گوید:

حضرت رضا علیه السلام دست مبارکش را بطریقی که حکایت از وحشت و ترس داشت حرکت داد، آنگاه فرمود: « حتی اخرج من الحقوق التي تجب لله علی فیها »

تا آنکه حقوق الهی را که بر آن مال تعلق گرفته بود از آن خارج کردم . راوی گفت : فدایت گردم شما با آن همه قدر و منزلت، از نعمتی که خداوند به شما عطا فرموده این چنین در خوف و اضطراب هستند؟!

قال : نعم، فاحمد ربی علی ما من به علی. (همان، ج ۴، ص ۵۰۲)

حضرت فرمود: بلی، سپاسگزارم از پروردگار بزرگ خویش که بر من منت گذاشت و مرا موفق به پرداخت حقوق الهی نمود و مالم را پاک ساخت. و مرا از زیر بار دینم رهایی بخشید. حمد و ثنای الهی از امام رضا علیه السلام در پرداخت حقوق الهی نشان دهنده

اهمیت فوق العاده حق الله و حق الناس است که کمیت انسان ها در پرداخت آن و تزکیه اموال خویش، لنگ است و کثیری از مسلمانان در این رابطه بهلاکت می رسند. قضیه ای را رفاعه بن موسی نقل می کند و می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

ما فرض الله علی هذه الامة شیئا اشد علیهم من الزکوة و فیها تهلك عامتهم.  
(همان، ج ۳، ص ۴۷۹)

خداوند بر این امت چیزی را محکمتر و قوی تر از زکات فرض نکرد. و در این زکات که اکثر مردم بهلاکت می رسند.

بلی!! هرگاه زکات اموال اغنیاء پرداخت شود، فقیری در عالم اسلام به چشم نخواهد خورد و هرگاه اغنیاء ثروتهای خود را تزکیه نکنند موجبات هلاکت خود را فراهم آورده اند.

خمس یا زکات باید از مال حلال و پاک و طیب و طاهر و با قصد قربت برای ذات اقدس احدیث پرداخت گردد، و مال حلال مخلوط به حرام نیز با تخمیس و یا تزکیه پاک و حلال می نمایند. بنابراین مالی که از کدیمین و عرق جبین تهیه شده و برای تهیه آن زحمتها کشیده شده اگر به حد نصاب برسد وقتی حلال و پاک می گردد، که خمس یا زکاتش را بپردازند. والا پولی و مالی که از راههای نامشروع، و یا از مالیهائی که از برای کسب و تحصیل آن زحمتی کشیده نشده و تلاشی بعمل نیامده، زکات دادن و یا خمس دادن نمی تواند آنرا پاک نماید. خلاصه اینکه مال حرام معین با صاحب و مالک معین، با خمس و زکات هم پاک و حلال نمی گردد.

از حضرت امام حسین علیه السلام این واقعیت را می خوانیم که فرمود:

انه ذکر عنده عن رجل من بنی امیه انه تصدق بمال کثیر، فقال: «مثله مثل الذی سرق الحاج و تصدق بما سرق، انما الصدقة من عرق جبینة فیها، و اغبر فیها وجهه» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۱) وقتی نام یکی از بنی امیه را در محضر امام حسین علیه السلام بردند و گفتند که او مال زیاری را به صدقه داده، حضرت

فرمود: مثل او مثل کسی است که مال حاجیان و زائران بدزدد و آن مال ها را صدقه بدهد، همانا صدقه آنست که از عرق جبین و کدیمین بدست آمده باشد و سپس خمس و یا زکات آن را بپردازد و پوست صورتش در این راه چین و چروک خورده باشد. حاکی از این که در راه بدست آوردن مال چه از راه کسب و چه از راه کشاورزی و کارگری، رنج فراوان باید دید، نه اینکه از پول های بدون زحمت و حرام و نامشروع از دستگاه بنی امیه و مشابه آن تهیه کرده و بخواهد زکات بپردازد و بطوری که توقع قبولی اداء این فریضه را هم داشته باشد.

حاصل و خلاصه مطلب حضرت امام حسین علیه السلام اینست که خمس و زکات و صدقه باید از مالی پرداخت گردد که از کدیمین و عرق جبین و زحمات فراوان بدست آمده باشد، مثل آن پیر کشاورزی که دست و صورتش چین و چروک خورده و انتظار درو کردن محصول جو و گندم و یا سایر محصولات خویش را می برد، که انتظار، اشد از مرگ است. (حاکی از اینکه آیا دسترنج یکساله من بدستم می رسد یا نابود می گردد؟ و یا به انواع آفات از بین می رود؟) و یا به انواع آفات از بین می رود؟) با این ناراحتیها که جوان را پیر می کند و چین و چروک بدست و صورت می افتد، پولی و مالی که بدست می آید خمس و زکاتش طیب و طاهر و از اجر و پاداش فوق العاده ای برخوردار است.

زکات به معنی رشد و نمو و برکت اموال است، باید بهترین اموال در راه خداوند و با قصد قربت پرداخت گردد، هرگاه چنین شود آن اموال برکت خواهد داشت و از کلیه آفات و زیان و ضرر محفوظ و مصون می ماند و هرگاه مؤدی زکات از بدترین اموال خویش به عنوان زکات پرداخت کند مورد نهی خداوند قرار می گیرد و برای اموال چنین کسی خیر و برکت هم نیست، در آیه شریفه ای از قرآن چنین می خوانیم:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ... » (بقره، آیه ۲۶۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید، انفاق از خوبها و طیبات از آنچه را کسب کرده اید و از آنچه که ما بیرون آوردیم برای شما از زمین و قصد نکنید که بدترین آن را انفاق کنید.

ابی بصیر، صحابی معروف از امام صادق علیه السلام در مورد تفسیر آیه شریفه پرسید: قال: کان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «إذا امر بالنخل ان یزکی، یجیبی ء قوم با لوان من تمر و هو من ارادی التمر یؤ دونه من زکو تهم تما. یقال له الجعور و المعافاة قليلة اللحاء، عظیمة النوی و کان بعضهم یجیبی ء بها عن التمر الجید. فقال رسول الله صلی الله علیه و آله لا تخرصوا هاتین التمرتین و لا تجیئوا منها بشی ء و فی ذلك نزل و لا تیمموا الخبیث منه تنفقون و لستم بأخذیه الا ان تغمضوا فیه و الا غماض ان تاءخذ هاتین التمرتین». (کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۴۸)

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: هرگاه امر به تزکیه و پرداخت زکات خرما می فرمود، گروهی از اقوام می آمدند که خرماهای رنگارنگ داشتند و پست ترین خرما را بعنوان زکات آورده بودند و خرمایی که بعنوان زکات می دادند بنام جعور و معافاة بود که کم گوشت و دارای هسته بزرگ بود و بعضی از مسلمانان هم خرمای خوب را برای زکات می آوردند، پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: مخلوط نکنید این هر دو نوع خرما را و چیزی از آن را نیاورید. و در این رابطه آیه نازل شد که فرمود: و قصد نکنید که این نوع خرمایتان که بدترین از خرمایتان را بعنوان زکات بپردازید و شما فقراء نگیرید آن را، مگر آنکه اگر گرفتید و قبول کردید، دیگر از بدیهای آن چشم پوشی کنید، که چشم پوشی آن، گرفتن این دو نوع خرما بعنوان زکات است.

کسب و تجارت باید از جمیع شوائب و محرّمات پاک باشد و زکات مال باید از عالیترین و شایسته ترین آن پرداخت گردد، معاملات ربوی مال را آلوده نموده که حتی با زکات هم قابل تزکیه نیست. بنابراین از هر مالی، باید بهتر یش را در اختصاص زکات قرار داد، نه از بدترین آن.

وقتی از امام جعفر صادق علیه السلام از تفسیر آیه شریفه ۲۶۷ سوره بقره را پرسیدند. حضرت علیه السلام فرمود:

«كانت عند الناس حين اسلموا مكاسب من الربوا و من اموال خبيثة، كان الرجل يتعدها من بين يدي ماله فيتصدق بها، فنها هم الله عن ذلك» . ( مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۱)

در هنگام اسلام آوردن مردم، مکاسب حرامی از ربا وجود داشت و از بدترین اموال خود، مسلمان آن روز برای زکات انتخاب می نمود، پس خداوند در این آیه آنان را از زکات چنین اموالی بر حذر داشت و نهیشان فرمود.

روشن است مال ربوی با زکات پاک نمی شود و از گاو و گوسفند، گندم بهترینشان را برای زکات باید انتخاب نمود. چیزی که به فقرا داده می شود به امر خدا و در راه خداست، لذا باید بهترین اموال را برای زکات اختصاص داد نه بدترینش را.

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل است که خداوند به بنده شایسته اش توسط ملکی سخاوت و کرامت نفس می دهد تا او سریعتر و با رغبتی بیشتر بتواند زکات مالش را پردازد.

حضرت امام علی علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نمود که: «ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال : اذا اراد الله بعبد خيرا بعث الله اليه ملكا من خزان الجنة فيمسح صدره فتسفيخوا نفسه بالزكوة». (همان)

براستی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هرگاه خداوند اراده کند خیری را برای بنده ای، فرشته ای را از خزان بهشت موکل می کند به او، پس آن فرشته سینه اش را مسح می کند و آن شخص سخاوت پیدا می نماید و زکات مالش را با طیب خاطر می پردازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم این حقایق را چنین بیان می فرماید: قال صلی الله علیه و آله و سلم: «اتوا الزكوه من اموالكم المستحقين لها من الفقراء والضعفاء، لاتبخسوهم و لاتوكسوهم و لاتتيموا الخبيث ان تعطوهم فان من اعطى زكاته طيبه بها نفسه اعطاه الله بكل حبه منها قصرا في الجنة من ذهب

و قصرًا من فضه و قصرًا من زبرجد و قصرًا من زمرد و قصرًا من جهر و قصرًا من نور رب العالمین و ان قصر فی الزکوه.

قال الله تعالی: یا عبدی اتبخلنی، ام تهمنی، ام تظن انی عاجز غیر قادر علی اثباتک؟ سوف یرد علیک یوم تکون احوج المحتاجین ان ادیتها کما امرت و سوف یرد علیک ان یخلت یوم تکون فیہ احسر الخاسرین.

قال: فسمع ذلك المسلمون، فقالوا: سمعنا و اطعنا، یا رسول الله «. (تفسیر الامام، ص ۲۴۰ به نقل از بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

زکات مالتان را به مستحقان واقعی از فقراء و مساکین و ضعفا بپردازید و در وزن و کیفیت متاع زکات کم نگذارید، و از بدترین متاع خویش را به زکات ندهید. زکات را با طیب خاطر و با اخلاص کامل بدهید، چرا که اگر کسی زکات مالش از بهترین آن باشد و با طیب خاطر بپردازد، خداوند به او، به ازای هر یک از حبه آن زکات، قصوری از طلا و نقره و لولو و زبرجد و زمرد از نور خویش بایشان مرحمت فرماید.

در مقابل اگر زکاتش کم باشد و یا از بدترین اموالش و یا از نظر وزن کمتر بدهد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: که خداوند می فرماید:

ای بنده من، آیا بخل می ورزی در راه من؟ یا آنکه مرا متهم به بخل می نمایی؟ یا آنکه گمان می کنی که من عاجزم و قدرت به دادن اجر و ثواب تو را ندارم؟ زود باشد که وارد شود بر تو روزیکه تو محتاجترین مردم باشی، اگر ادا نکنی آن چنان که به آن ماموری، و زود باشد که وارد شود بر تو روزیکه در آن روز زیان کارترین و احسر الخاسرین باشی.

پس وقتی این سخنان و این اخبار را پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای مسلمانان ذکر کرد، دادشان بلند شد و گفتند: سمعا و طاعة یا رسول الله، شنیدیم و فرمانبردار تو می باشیم.

هرگاه زکات با طیب خاطر و فقط قربه الی الله و برای رضای خدای بزرگ، بدون کم و کاست اداء گردد، این درجات و مقام والا در دنیا و آخرت از آن مودیان زکات خواهد بود و این پاداش حضرت حق رب الجلیل است و اگر بخل و سماجت ورزد از پرداخت زکات، زیانکارترین زیانکاران دنیا و آخرت خواهد شد و این است سزای عمل کسی که از دادن زکات کوتاهی می نماید.

هرگز زکات، که به معنای رشد و برکت است، معنای خلاف نمی دهد، بنابراین با دادن زکات و به ظاهر کم کردن مال، چیزی از مال کم نمی شود، بلکه پر می شود و زیاد می گردد، چرا که زکات برکت زاست، و بزودی جای آنچه که پرداخت شد به چندین برابر پر می شود، حضرت صادق علیه السلام می فرماید: « ما من رجل اءدی الزکوة فنقضت من ماله و لا منعها احد فزادت فی ماله ». (کلینی، فروع کافی، ج ۳، ص ۵۴۰)

هیچ مردی نیست که زکات مال دهد، پس چیزی از مالش کاسته گردد و کم شود و هیچ کسی از پرداخت زکات مضایقه نکند مگر به اموال او افزون گردد. یعنی با توجه به معنا و مفهوم زکات و اعتقاد به آن و اداء مسلما برکت بیشتری متوجه اموال او می گردد که به وضوح چشمگیر و قابل لمس است و ندادن زکات با اعتقاد به آن نه تنها چیزی نمی افزاید بلکه کم هم می کند و کمبودش قابل لمس و شهود است و بر همگان واضح و روشن است که زکات دهندگان با برکت بیشتری مواجه هستند چرا که آن گره کو زد هم او بگشایدش. و تحت این مصرع خدای خالق متعال اگر مال، مرحمت فرمود هم اوست که می تواند بستاند و یا اگر او خود گره زد، هم او بازگرداند، پس اگر در مال زکات مقرر فرمود، وحشت مکن که آنچه کاسته شد، ده چندان جایش پر می کند، گمان مبر زکات موجب نقص است و ادای آن، مال را کم می کند و مانع الزکاة موجب زیادی مال و ثروت است، که اگر او داد، گرفتنش را هم بلد است، پس اگر او، در، به بست، هم او فتح باب خواهد کرد. ای برادر: اداء زکات شرط مسلمانی تو است.

مسلمان متمکن با پرداخت زکات مال خویش به اسلام می گراید و این واقعیتی است

که از کانون وحی و امامان معصوم علیه السلام به ما گوشزد کرده اند، و بها سمو مسلمین به پرداخت زکات انسان مسلمان نامیده می شود.

در روایت سماعه بن مهران از امام صادق علیه السلام می خوانیم: ان الله عزوجل فرض للفقراء اموالی الاغنیاء فريضة لا يحمدون الا بادائها وهي الزكوة بها حقنوا دمائهم و بها سمو مسلمین ولكن الله عزوجل فرض فی اموال الاغنیاء حقوقا غیر الزکوة، فقال: عزوجل: «وَالَّذِينَ فِيْ اَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ» (معارج، آیه ۲۴)

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: براستی خداوند عزوجل فرض کرد در اموال اغنیاء فريضة ای که سپاس و حمد و ثنای الهی را نتوانند بجای آورد، مگر به اداء آن فريضة و آن فريضة زکات است و زکات با خون مسلمان آمیخته شده است و مؤ دیان آن به مسلم و مسلمان نامیده شده اند و لیکن غیر از زکات حقوق دیگری هم بر اموال مسلمانان فرض کرده است (که امام صادق علیه السلام می فرماید: «ولکن الله عزوجل فرض فی اموال الاغنیاء حقوقا غیر الزکوة»

که این ها حقوقی است که خدا بر اغنیاء واجب می گرداند و خداوند کریم هم در قرآن مجید می فرماید: آنانیکه در اموال خود حق معلومی برای فقراء معین نموده اند.

حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید: «فالحق المعلوم غیر الزکوة و هو شیء یفرضه الرجل علی نفسه فی ماله یجب علیه ان یفرضه علی قدر طاقته وسعة ماله فیؤدی الذی فرض علی نفسه ان شاء فی کل یوم و ان شاء فی کل جمعة و ان شاء فی کل شهر وقد قال الله عزوجل اء ایضا: ... وَأَقْرَضُوا اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا ...» (حدید، آیه ۱۸)

پس حق معلوم از غیر زکات است، آن چیزی است که انسان بر نفس خویش در مالش فرض کرده بر او واجب می گردد، اینکه بر خویش از این فريضة بقدر طاقتش و توان مالیش بر خود واجب می نماید، پس اداء می کند آنرا اگر بخواهد در هر روز و اگر

بخواهد در هر جمعه و اگر بخواهد در هر ماه یکبار که خداوند متعال در سوره حدید می فرماید: و آن ها که به خداوند وام دادند وام شایسته... مضاعف و چند برابر گرداند اجر و مزد ایشان را و برایشان است مزد گرانمایه از طرف خداوند کریم.

زکات سپاسگزاری از نعمتهای الهی است.

خواست و مشیت الهی آن چنان اقتضا دارد که هیچ قدرتی با آن اقتضا برابری و هماهنگی نمی نماید، مثلا یک دانه را به هفتصد برابر و گاهی بیشتر می کند، مزه و لذتی که میوه ها و در نان و برنج و سایر خوردنیها قرار داد که هیچ کس قدرت ترکیب چنین پدیده ای را ندارد. زکات در حد خویش شکرانه این نعمتها می باشد.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: «و من ادی ما فرض الله علیه فقد قضی ما علیه وادی شکر ما انعم الله علیه فی ماله اذا هو حمده علی ما انعم الله فیه مما فضله به من السعة علی غیره و لما و فقه لاداء ما فرض الله عزوجل علیه و اعانه علیه».

( کلینی، فروع کافی، ج ۳، ص ۴۹۸ )

و کسی که اداء کند آنچه که خداوند بر او فرض و واجب کرد، پس بحقیقت قضا کرد و برآورد، و حقیقت را اداء کرد از آنچه که بر او بود و شکر نعمتهای الهی را که فریضه زکات بر او تفضل فرموده که تا در مالش اداء نماید هرگاه او بخواهد حمد و سپاس کند آنچه که خداوند بر او تفضل کرد و از آنچه از مال و دارایی که به او عطا فرمود، که غیر او این نعمتها را از خود ندارد، و هرگاه به او این توفیق را مرحمت کرد و او را به اداء زکات موفق کرد و توفیقش داد که زکات و فرایض دیگر مالی نمی پردازند و شکرانه نعم الهی را بجای نمی آورند، بلکه نعمتهای الهی و خدا داده را در تعیش و تکلیف نامشروع و بر خلاف رضای حضرت حق مصروف می دارند.

و اینست که عذاب الیم و عقوبت الهی متوجه چنین انسان هایی شده و عقوبت گناه ایشان گریبان گیر دیگران هم می شود و دامن بقیه بی گناهان را هم فرا می گیرد و آتش فتنه و گناه همگان را می سوزاند.

بزرگترین مشکل در قیامت که در انتظار هر مسلمان است، مسئله مال و مادیات و حق الناس است، که از او پرسش می گردد، که اموال و دارائیهایتان را از کجا بدست آورده اید و در چه راهی مصرف نموده اید اگر بخواهند که ریز و درشت و خرد و کلان در آمده ها و مصارف ایشان را بپرسند از عهده پاسخ آن کمتر کسی است بر می آید. اما اگر کسی زکات مالش را به موقع بپردازد، از بقیه اموال او پرسش نخواهند کرد. در روایت علی بن عقبه از ابی الحسن اول، امام علی علیه السلام است که می فرمایند: «من اخرج زکوة ماله تامه فوضعها فی موضعها لم یسئل من ائین اکتسب ماله» (همان، ص ۵۰۴)

آن کس که زکات مالش را خارج کند تماما، یعنی تمام مالش را تزکیه نماید و حقی از فقراء در میان مالش یا دینی در گردنش باقی نماند، و زکات مالش را به اهلس برساند و با دقت هر چه بیشتر زکات را به شخص مطمئن و مورد اعتماد بدهد که او حق فقراء را اداء کند و یا خود به شخص مستحق مؤ من و مسلمان برساند. در این صورت از ثروت و اموالش در قیامت سؤال نمی نمایند که از کجا آورده ای. یعنی در بقیه اموال او محاسبات دقیق انجام نخواهد گرفت.

مسئله قابل توجه در کلمه فوضعها فی موضع ها، اینست که زکات مال قصد قربت دارد و باید برای رضای خداوند و تقرب به پیشگاه اقدسش این مال را خارج نمود و علی الخصوص به کسیکه زکات مال داده می شود، هیچگونه چشم داشتی نداشته باشد و اگر هر گونه توقعی از گیرنده زکات و مستحقش داشته باشد حال چه کسی که خود مستقیما مصرف کننده است، و چه عامل زکات و آنکس که زکات را جمع آوری می کند و به اهلس می رساند، برود و متنی و اذیتی نسبت به او داشته باشد موجب خلاف رضای حضرت احدیت را فراهم آورده و چه بسا براءت ذمه هم حاصل نگردد. پس در نتیجه زکات و خمس و هر حقوق واجبی را فقط با قصد قربت الی الله باید اخراج نمود.

سختاوتمند خوش برخورد مشمول رحمت خداوند است: از جمله مشکلات مستصعب طبق روایات وارده در قیامت، مسئله مال و ثروت است که از آن پرسش می نمایند و پاسخ به آن فوق العاده دشوار است، اما اگر زکات مال و هر گونه حق الله و حق الناس

از آن پرداخت گردد، دیگر پرسشی از بقیه اموال و از شخص صاحب مال نمی گردد. در روایت است که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «السخی الحسن الخلق فی کنف الله لا یستخلی الله منه حتی یدخله الجنة و ما بعث الله عزوجل نبیا و لا وصیا الا سخیا و ما کان احد من الصالحین الا سخیا و ما زال اءبی یوصینی بالسخاء حتی مضی و قال : من اءخرج من ماله الزکوة تامة فوضعها فی موضعها لم یساءل من اءین اکتسبت مالک» (همان، ج ۴، ص ۳۹)

حضرت امام فرمود: دائم پدرم مرا توصیه به سخاوت می کرد، تا که گذشت (و از دست ما رفت) و می فرمود: کسیکه زکات مالش را خارج کند تمام مالش را تزکیه نماید و بموقع و صحیح و به حق پرداخت نماید از این شخص مالدار، در قیامت از اموالش نمی پرسند، که مال و دارائیت را از کجا آورده ای و چگونه کسب کرده ای؟ آنان که به دنیا اهمیت نمی دهند و حب مال و حب دنیا آنان را اسیر خود نکرده، غالباً سخاوتمند و اهل گذشت هستند. لذا انبیاء و اولیاء و بندگان صالح پروردگار دارای نعمت و صفت سخاوت هستند.

نکته دوم، چرا اهل زکات در روز قیامت از مالش پرسش نمی کنند که اموالت را از کجا آورده ای؟

پاسخ اینست که مالکیت در اسلام محفوظ و مشروع است و اگر صاحب مال، اموالش را پاک و تزکیه کند و از اموال مزکی هر قدر زیاد هم داشته باشد و از کل حرام و نامشروع به دور باشد، از او پرسشی نخواهد شد که چرا مال و ثروت جمع کرده ای، بلی ثروت زیاد اگر در تصرف مسلمانی باشد و در محور آن گرسنگان و برهنگان و مستضعفان باشند مسلم است که از صاحب آن می پرسند چرا با شکم سیر و ثروت زیاد سر بر متکای ناز آرمیدی و حال آنکه در اطراف تو مسلمانان گرسنه و برهنه بوده باشند؟! این مسلمان بی رحم تحت مؤاخذه و عذاب شدید قرار می گیرد.

نکته سوم، زکات مال را باید به کسی داد که مستحقش باشد و یا به کسی که با دقت به اهلس برساند. چرا که زکات را به افرادی که اهلیت ندارند، پرداختن، یک نوع

مسامحه و سستی در اداء زکوة محسوب می گردد.

دیگر آن که زکات می تواند به عنوان صندوقی دخیره در خدمت مردم برای رفع نیازهایشان باشد.

شیخ حرعاملی حدیثی از حضرت علیعلیه السلام نقل کرده است که امام بر پیرمردی درمانده که گدایی می کرد گذشت. حضرت پرسید: این چه وضعی است؟ پاسخ داده شد: شخصی است نصرانی. امام گفت: تا وقتی جوان بوده از او کار کشیدید، اینک که پیر و درمانده شده، طردش کرده اید؟ مخارج او را از بیت المال بپردازید. (موسوی، اقتصاد ما، ج ۱، ص ۳۲۸)

### برخی فواید و آثار معنوی زکات

#### ۱- پیش گیری از جلوه های دردناک عذاب اخروی:

چنانکه از آیات و احادیث متعددی به دست می آید، یکی از آثار معنوی قابل توجه پرداخت زکات، پیش گیری از عذابهای گوناگون الهی در قیامت است. در این مجال به برخی از آیات و احادیث در این باره اشاره می کنیم.

« وَ لَّا یَحْسِبَنَّ الَّذِینَ یَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَیْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَیُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ یَوْمَ الْقِیَامَةِ وَ لِلّٰهِ مِیرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ وَ لِلّٰهِ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِیْرٌ » (آل عمران، آیه ۱۸۰)

این آیه به بیان سرنوشت انسان های بخیل در روز رستاخیر پرداخته و می گوید کسانی که همواره از انفاق کردن در راه خدا خودداری کرده و از آنچه خداوند از فضل و کرم خود بدان ها عنایت نموده به دیگران کمک نمی کنند تصور نکنند که این کار آن ها به نفعشان است، بلکه این را بدانند که به زودی اموالی که آن ها بخل ورزیده اند به گردن آنان مانند طوقی آویخته خواهد شد.

هر چند در ظاهر این آیه نامی از زکات به میان نیامده است، اما در احادیث اسلامی و کلمات مفسران، آیه فوق به کسانی اختصاص داده شده که از پرداخت زکات اموال خویش خودداری می ورزند. (عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۷ و ۲۰۸)

نکته قابل توجه در این آیه، قانون «تجسم اعمال» است که خدای متعال بدان تصریح نموده و با تعبیر «سیطوقون» به انسان‌ها فهمانیده است که تجسم آخرتی پرداخت نکردن زکات اموال، این است که به صورت زنجیر و طوق به گردن انسان آویخته می‌شود؛ زیرا اگر اموال انسان از حد معینی بگذرد با توجه به این که بهره‌وری از آن‌ها محدود به حدود مشخصی می‌باشد، در آن صورت برای انسان نحوه‌ای اسارت، بردگی و سنگینی به دنبال خواهد داشت که تجسم حقیقی آن در رستاخیر، همان طوق اسارت است.

چنانکه در تفسیر عیاشی از امام باقر علیه السلام آمده است که آن بزرگوار فرمود: «شخصی که زکات مال خود را نپردازد خداوند مال او را به طوقهایی از آتش مبدل می‌سازد و سپس به او خطاب می‌شود: همان طور که در دنیا حاضر نبودی به هیچ قیمتی آن‌ها را از خود جدا کنی اکنون نیز آن‌ها را به گردن خویش بیاویز!» (مکارم، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۹۰ و ۱۹۱)

همچنین در احادیث مختلف از معصومان علیهم السلام به چنین واقعیتی تصریح شده است. به عنوان نمونه محمد بن مسلم می‌گوید: از امام باقر علیه السلام سؤال کردم که مراد از «سیطوقون ما بخلوا به یوم القیامة» چیست؟ حضرت فرمود: هر انسانی که از پرداخت زکات خودداری نماید، خداوند در روز جزا برای او یک افعی (اژدها) از جنس آتش قرار می‌دهد که بر گردن او مانند طوقی آویخته می‌شود و همواره از گوشت بدن او تغذیه می‌کند تا آن شخص از حسابرسی آن صحنه فارغ شود. (ابن بابویه، ثواب الاعمال، ۵۲۹، حدیث ۱)

در حدیث دیگری آمده است که امام پنجم فرمود: «خدای متعال در روز قیامت انسان‌هایی را از قبر برمی‌انگیزد در حالی که دست‌های آنان بر گردنهایشان گره خورده است به گونه‌ای که توانایی برداشتن هیچ چیز سبک را نیز ندارند، همراه آنان فرشتگانی هستند که پیوسته آن‌ها را سرزنش نموده و می‌گویند: اینها کسانی هستند که از مال بسیاری که خداوند به آن‌ها ارزانی داشته بود حق خدا را نپرداختند.» همان، حدیث ۲)

## ۲- امان از غضب و خشم الهی:

در بعضی احادیث آمده است که دهندگان زکات از غضب ذلت آمیز خداوند در امان بوده و این کار شایسته آنان زبانه های خشم خداوند را در ساحل آرامش و خاموشی فرو می‌نشانند. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۷، حدیث ۵۷)

## ۳- پیش گیری از کفر، شرک و سلب ایمان:

از آنجا که کفر دارای مراتب و درجات گوناگونی می باشد در یکی از آیات قرآن کسانی که زکات نمی پردازند متهم به «کفر به آخرت» و «شرک به خدا» شده اند. (فصلت، آیات ۶ و ۷)

بدین معنا که چنین اشخاصی با این بی توجهی به زکات که یکی از احکام ضروری دین است، در واقع به خدا شرک ورزیده، منکر قیامت و آخرت گردیده و از آن روی گردان شده اند.

درباره مضمون عجیب این آیه از دیر باز در بین مفسران قرآن، احتمالات متعددی مطرح بوده است؛ زیرا برای همه، جای این سؤال بوده که مگر نه آنکه زکات یکی از فروع دین اسلام می باشد، پس چه توجیهی می توان داشت بر این که ترک کننده آن، کافر یا لاقلم مشرک باشد؟!

برای این سؤال، پاسخ های متعددی می توان بیان داشت. ما دو پاسخ را بیان می کنیم: الف. مراد از «زکات» در این آیه همان مفهوم عمومی آن یعنی «انفاق» است، و ترک کننده انفاق که مشرک نامیده شده بدان جهت است که انفاق مالی در راه کسب رضایت خدای متعال یکی از بهترین و واضح ترین نشانه های ایثار و عشق و محبت به خدا می باشد؛ چه آن که اموال در چشم انسان ها بسیار عزیز و پراهمیت است و ترک انفاق مال می تواند در اغلب موارد به عنوان یک شاخص برای شرک و ایمان محسوب گردد؛ تا بدانجا که برخی از انسان ها، اموال خود را تا سر حد جان یا بیش تر از آن دوست دارند و حاضر به هیچ گونه انفاقی نیستند.

ب. زکات در بین دستورات اسلامی از موقعیت خاصی برخوردار است. از یک سو توجه به آن می تواند علامت به رسمیت شناختن حاکمیت اسلامی در جامعه باشد و از سوی

دیگر بی توجهی و ترک نمودن آن می تواند در بیش تر موارد به عنوان یک سرکشی علیه حاکمیت اسلامی به شمار آمده و موجبات کفر شخص را فراهم سازد. (مکارم، تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۱۶)

چنان که در برخی تفاسیر می خوانیم که پس از رحلت غم انگیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گروهی به نام «اصحاب رده» اعلان کردند که ما نمازهای مان را می خوانیم ولی اجازه نخواهیم داد اموال مان با پرداخت زکات مورد غضب قرار گیرد! پیرو این سخنان بیهوده، مسلمانان دیگر تصمیم به جنگ با آن گروه را در سر پروراندند و این گفته آنان را دلیل بر ارتدادشان گرفتند. (ابوالفتوح، تفسیر ابوالفتوح، ج ۱۰، ص ۹) در احادیث بسیاری نیز وارد شده که تارک زکات مرتکب کفر به خدای متعال گردیده و از او سلب ایمان و ارزش می شود. (حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۸) به عنوان نمونه به این حدیث توجه کنید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در یکی از وصیت های خود به حضرت امیر علیه السلام فرمودند: «ای علی! ده گروه از امت من به خدای بزرگ کفر ورزیده اند.»

آنگاه یکی از آن ده گروه را ترک کنندگان زکات نام برده و سپس فرمود: «ای علی! کسی که ذره ای از زکات اموالش را نپردازد مؤمن نیست و در درگاه الهی دارای ارزش نمی باشد.» (همان)

#### ۴ - پیش گیری از اظهار ندامت و تقاضای فرصتی مجدد در هنگام حسابرسی:

یکی از آیات تکان دهنده قرآن که بنابر تفسیر ائمه معصوم علیهم السلام مربوط به ترک کنندگان زکات است آیه ذیل می باشد:

«زمانی که مرگ یکی از آن ها فرا می رسد می گوید مرا به دنیا بازگردانید تا کوتاهی های گذشته خود را جبران کنم، ولی مسلماً چنین نخواهد بود و این درخواست آنان، تنها بر زبانشان جاری شده و از دل برنخاسته است.» (مومنون، آیه ۹۹)

امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید: «کسی که زکات اموال خود را نپردازد هنگام مرگ آرزوی بازگشت به دنیا را می کند و

این همان معنای کلام الهی است که «اذا جاء أحدهم الموت قال رب ارجعون لعلی  
اعمل صالحا فیما ترکت...»

### ۵ - پدید آمدن حالت کرامت و بزرگواری برای نفس و برکت در اموال:

دهنده زکات با ایثار مالی خود در واقع از یک سو به نوعی کرامت و بزرگی دست می  
یابد که در دیدگاه بزرگان علم اخلاق به عنوان یکی از صفات شایسته و یکی از فضایل  
مهم نفسانی به شمار می آید، (مومنون، آیه ۹۹) و از سوی دیگر با این عمل شایسته  
خود، برکات الهی را به سوی اموال خویش سرازیر می سازد. (طبرسی، مجمع البیان،  
ج ۱، ص ۹۷)

### ۶- پیش گیری از بخل:

یکی از صفات زشت اخلاقی که همواره انسان را به سوی سقوط می کشاند، صفت  
بخل به معنای بسته بودن دست انسان در امور مالی است. بدین سان که انسان حاضر  
نباشد از مال خود خرج نموده و به دیگران نفعی برساند. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶،  
ص ۲۲)

بنابر تصریح احادیث، یکی از آثار معنوی پرداخت زکات، از بین بردن ریشه های بخل از  
درون دل و کاشتن نهال زیبا و با برکت سخاوت به جای آن می باشد. (همان، ص ۲۰)  
در این جا دو نمونه از این احادیث را بیان می کنیم:

الف. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «بخیل کسی است که از دادن زکات  
واجب اموال خود خودداری ورزد.» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۱۶)

ب. حضرت امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوار خود و آن ها از رسول گرامی  
اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند: «زمانی که خدای متعال برای بنده ای  
از بندگان خود خیر بخواهد دست عنایتش را به واسطه برخی از ملکوتیان بر روی سینه  
او گذارده و با پرداخت زکات او را مزین به صفت سخاوت می گرداند.» (همان، ص  
۱۹)

## ۷- حسرت اهل محشر به دهنده زکات:

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «کسی که زکات مال خویش را به مستحقان آن بپردازد و نماز خود را صحیح اقامه کند، و پس از آن با ریاکاری و کارهای منفی و ناشایست، آن ها را از بین نبرد، در روز قیامت به گونه ای محشور می گردد که تمام انسان هایی که در محشر هستند بر او حسرت خورده و سپس نسیم و رائحه خاص بهشتی، چنین شخصی را به والاترین قصرهای بهشتی در جوار محمد آل محمد هدایت نموده و در آنجا استقرار خواهد یافت.» (همان، ص ۸)

## ۸- صدق عنوان «نیکوکار» بر دهنده زکات:

قرآن در یکی از آیات خود، در زمره مهم ترین و اصلی ترین اصول نیکی و احسان، زکات را محسوب نموده و به صراحت اعلان داشته که یکی از مواردی که عنوان «بِر» بر آن صدق می کند، پرداخت حقوق مالی واجب در قالب زکات است. (بقره، آیه ۱۷۷)

## ۹- پذیرش نماز مشروط به پرداخت زکات:

در احادیث بسیاری آمده است که شرط قبول گردیدن نماز در درگاه خدای متعال، پرداخت زکات می باشد. (شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۵۵)

به دو حدیث ذیل توجه کنید:

الف. حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید: زمانی که آیه زکات «خذ من اموالهم صدقة تطهرهم و تزكهم بها» در ماه مبارک رمضان از سوی خداوند نازل گردید، نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به فرستاده خود فرمان داد که در بین مردم اعلان نماید که خدای متعال بر شما زکات را واجب گردانیده همچنان که نماز را نیز واجب کرده است، پس ای مسلمانان! زکات اموال خود را بپردازید تا نمازهای شما مورد قبول حق واقع گردد. (حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۶، ص ۳)

ب. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «کسی که زکات مال خود را نپردازد به نمازهای او دستور داده می شود که به سوی او بازگردد، سپس آن ها به سوی او بازگردانده شده و به صورت او زده خواهد شد و به او گفته می شود: ای بنده خدا! با

نماز بدون زکات چه می کنی؟!» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۸)

### ۱۰- اعطاء هدایا و مواهب خاص بهشتی:

از دیدگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یکی دیگر از آثار معنوی زکات، آن است که اگر انسان با هدف جلب رضایت خدای متعال، دست به چنین کاری بزند، در برابر هر ذره ای که به عنوان زکات به فقرا پرداخت کرده است، قصری از طلا، نقره، لؤلؤ، زبرجد، زمرد، جواهر و نیز قصری از نور خاص پروردگار هستی به او عنایت می گردد.

در انتهای این حدیث شگفت انگیز آمده است: هنگامی که مسلمانان، این وعده های روحبخش را از پیامبر شنیدند، در پاسخ گفتند: ای رسول خدا! ما این توصیه شما را حتما به گوش جان می خریم و زکات مال خود را همواره پرداخت خواهیم کرد. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶ ص ۱۳)

### ۱۱- شکرگذاری منعم:

از دیدگاه احادیث، پرداخت زکات که یک عبادت مالی به شمار می آید در واقع، شکرگذاری مالی دهنده زکات در مقابل آن معبودی است که همیشه از مواهب گسترده خود، وی را بهره مند ساخته است؛ همچنان که انواع عبادات بدنی مانند روزه و نماز به عنوان شکرگذاری جسمی انسان در برابر نعمت جسم، تلقی می گردد. (نراقی، معراج السعاده، ص ۳۱۹)

### ۱۲- پیش گیری از بدحالی در قیامت:

دهندگان زکات بایستی این مژده را دریافت نمایند که یکی از آثار ارزنده پرداخت زکات، نجات یافتن از پریشانی و اضطراب توصیف ناپذیر اخروی می باشد؛ زیرا مطابق آنچه از برخی احادیث استفاده می شود زمانی که زکات اموال، پرداخت نمی شود حال بی نیاز و نیازمند، پریشان و نامطلوب می گردد.

راوی می گوید از امام سؤال کردم: حال فقیر به سبب آن که حق او داده نشده بد می شود، ولی حال شخص بی نیاز چرا بد می گردد؟! امام در پاسخ فرمود: «شخص بی نیازی که از پرداخت زکات مال خود خودداری ورزد حال او در قیامت، بد و پریشان می

گردد، نه در دنیا. «(حرعاملی، وسایل الشیعه، ج ۶، ص ۱۳)

### ۱۳ - دقت نکردن در حسابرسی مالی دهنده زکات در محشر:

از آثار معنوی نوید بخش برای کسانی که توفیق انجام تکلیف زکات را پیدا می کنند این که در هنگام حسابرسی قیامت - که از سخت ترین و وحشتناک ترین اوقات برای اکثریت بندگان الهی محسوب می گردد - با دقت نظر و پرسشهای پی در پی مأموران الهی رو به رو نخواهند شد. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۱۹)

### ۱۴ - پیش گیری از مردن در حالت یهودیت یا نصرانیت:

در برخی از احادیث آمده است: «کسانی که ذره ای از زکات را نپردازند در لحظات تلخ و ناگوار احتضار که برای بیش تر افراد، خروج روح از بدن با سختیها و تلخیهای توصیف ناپذیری همراه است، از سوی مأموران الهی به او گفته می شود: مرگ برای تو حتمی است، اما یهودی یا نصرانی مردن را خودت انتخاب نما!» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۱۹)

### ۱۵ - پیش گیری از هفتاد نوع مصیبت:

حضرت امیرمؤمنان علیه السلام از نبی گرامی صلی الله علیه و آله و سلم نقل فرمود که رسول خدا هفتاد مصیبت و بلا، از جمله سوختن در آتش، غرق گردیدن در آب و دیوانگی را به زبان آورد و فرمود: تمام اینها با دادن زکات، مرتفع می گردد. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۳)

### ۱۶ - پیش گیری از شُحّ نفس:

عمل خدایسندانه زکات از دیدگاه احادیث می تواند از پدید آمدن یکی از حالات بسیار منفی و خطرناک به نام «شُحّ» در انسان جلوگیری کند. شُحّ، مرتبه بالاتر و تندتر از صفت ناپسند «بُخل» را می گویند که اگر کسی واجد آن باشد به او «شَحیح» گفته می شود. شَحیح به کسی می گویند که تمام آرزوی او آن است که کلیه نعمتهایی که خدای متعال به دیگر بندگان عطا نموده، برای او باشد و هیچ کسی جز او از هیچ یک از مواهب و نعم الهی بهره مند نگردد.

چنین حالتی موجب می گردد که انسان تا لحظه مرگ از زرق و برق مال دنیا سیر نگریده و به هر آنچه خدا به او عنایت کرده نیز قانع نباشد. (حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۶ ص ۲۲)

### ۱۷- پیش گیری از مجازات عصر ظهور ولی عصر علیه السلام :

بنا بر مفاد برخی احادیث، پس از ظهور با برکت حضرت ولی عصر علیه السلام ترک کنندگان زکات از سوی حکومت اسلامی به مجازات خویش رسیده و گردنهای آنان زده خواهد شد. (ابن بابویه، ثواب الاعمال، ص ۵۳۵)

### زکات و عدالت اجتماعی

یکی از اهداف اسلام این است که اختلافات غیر عادلانه ای که در اثر بی عدالتی های اجتماعی در میان طبقه غنی و ضعیف پیدا می شود از بین برود و سطح زندگی کسانی که نمی توانند نیازمندی های زندگی شان را بدون کمک دیگران رفع کنند بالا بیاید و حداقل لوازم زندگی را داشته باشند، اسلام برای رسیدن به این هدف برنامه وسیعی در نظر گرفته است. تحریم ربا خواری به طور مطلق، وجوب پرداخت مالیات های اسلامی از قبیل زکات و خمس و صدقات و مانند آن ها و تشویق به انفاق - وقف و قرض الحسنه و کمک های مختلف مالی قسمتی از این برنامه را تشکیل می دهد، و از همه مهمتر زنده روح ایمان و برادری انسان در میان مسلمانان است. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۱۲)

«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛ (بقره، آیه ۲۶۱)

عدالت در عرصه مسائل اقتصادی و معیشتی مساوی با مرحله ای از استغنا و بی نیازی همه اقشار مردم است، یا دست کم لازمه اجرای عدالت، استغنا و بی نیازی همه قشرها و اصناف است.

سؤال مهم آن است که چه باید کرد تا به عدالت اقتصادی دست یافت و چگونه و با چه ابزاری می توان به عدالت رسید و آن را در پهنای پهنای جامعه اسلامی گسترانید؟ دو روایت پیشین و روایات متعدد دیگر به این پرسش پاسخ داده است؛ بر طبق این

روایات، هنگامی آدمیان به عدالت دست می یابند که استغنا و بی نیازی بر روح اقشار مختلف جامعه اسلامی سایه افکند و فقر ستیزی به مرحله ای برسد که همه مردمان از حداقلی از امکانات برخوردار شوند و زمانی این مهم تحقق خواهد یافت که زکات و خمس داده شود.

در روایات متعددی بر این نکته تأکید شده است که مسیر بی نیازی معیشتی مردم از زکات می گذرد و یکی از علت‌های اصلی تشریح زکات آن است که رفع نیاز از تهیدستان، بینوایان و فقیران شود. امام صادق علیه السلام می فرماید:

«اگر مردم زکات اموال خود را بدهند هیچ مسلمان فقیر و نیازمندی باقی نخواهد ماند و در پرتو فریضه الهی زکات بی نیاز خواهند شد.» (جامع احادیث شیعه، ج ۹، ص ۶۵)

بر پایه روایات مختلف، خدای متعال انسان را خلق کرده و از فقیر و ثروتمند، ضعیف و قوی آنان به خوبی آگاه است و نیز از شمار فقیران و اندازه نیاز آنان و ثروت ثروتمندان و مقدار زکات آنان اطلاع دارد، از این رو زکات را به مقدار معینی تعیین فرموده؛ مقداری که هرگاه مردم زکات خود را بدهند فقیران و محتاجان به استغنا و بی نیازی دست خواهند یافت. (ر. ک جامع الاحادیث الشیعه، ج ۹، ص ۶۴)

محدث بزرگ ثقة الاسلام کلینی در توضیح سخن حضرت امام کاظم علیه السلام که می فرماید: «اگر میان مردم عدالت برقرار شود بی نیاز خواهند شد» می نویسد:

«عدالت از غسل شیرین تر است... و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم زکات ها و صدقه ها را به گونه ای میان مردم تقسیم می کرد که نیاز همه گروهها برآورده شود و همه آنان به مرحله ای از استغنا دست یابند.» (کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۵۳۸)

در روایتی دیگر، امام صادق علیه السلام می فرماید: «همانا مردم به مرحله استغنا خواهند رسید اگر میان آنان عدالت برقرار گردد.» (همان، ج ۳، ص ۵۶۸)

عن الصادق علیه السلام: «لو ان الناس ادوا زکاة اموالهم ما بقى مسلم فقیرا محتاجا ولا استغنی بما قرَضَ الله عزوجل له...» (ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴)

باید توجه داشت که سیستم اقتصادی توزیع و تولید ثروت‌ها و پرداخت خمس و زکات و

سایر مسائل مالی مانند کفارات، دیات و غیره نیز، رعایت عدل اجتماعی را در بعد اقتصادی روشن می‌سازد، زیرا بدون یک سیستم اقتصادی، قشر عظیمی گرفتار فقر و محرومیت می‌شوند. به همین دلیل مقصود ما از اقتصاد اسلامی، آن سیستمی است که به وسیله آن راه و رسمی که اسلام در تنظیم حیات اقتصادی دارد تجسم و عینیت پیدا می‌کند.

به عقیده دانشمندان بزرگ اسلامی همچون: علامه مطهری و شهید آیه الله صدر و بسیاری از عالمان روشن بین اهل سنت، اسلام دارای یک نظام مالی و اقتصادی محکم بر پایه توحید است. استاد مطهری می‌نویسد: وقتی می‌گوییم اقتصاد اسلامی، منظورمان علم اقتصادی به شکل اقتصاد برنامه‌ای و دستوری است، نه اقتصاد علمی که مانند سایر علوم می‌باشد، چون در این صورت اقتصاد اسلامی یا مسیحی و یا مارکسیستی معنا ندارد؛ چنان که فیزیک یا شیمی اسلامی یا مسیحی نداریم.

### زکات و نقش آن در فقر زدایی از جامعه

زکات به عنوان یکی از عوامل مهم برقراری عدالت اجتماعی، مبارزه با جلوه های زشت فقر، تقویت کننده بنیه مالی حکومت اسلامی و پرکننده فاصله های وحشتناک طبقاتی، همواره مورد بی توجهی واقع شده است.

در این مجال توجه همه مخاطبان گرانقدر را به چند پرسش از مجموعه سؤالاتی که می‌توان درباره زکات مطرح نمود، جلب می‌کنم:

- مگر نه آنکه زکات یکی از ضروریات و مسلمات دین اسلام است؟
- مگر نه آنکه از زکات پا به پای نماز در ۲۷ آیه قرآن نام برده شده است؟
- مگر نه آنکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، منافقین را از مسجد، اخراج نمود اما کسانی که زکات اموال خویش را نمی‌پرداختند از مسجد بیرون کرد؟
- مگر نه آنکه در احادیث بسیاری وارد شده است که نماز اشخاصی که زکات نمی‌پردازند مورد قبول حق واقع نمی‌گردد؟ (موسوی، اقتصاد ما، ج ۱، ص ۴۴۹)
- مگر نه آنکه بنا بر مفاد احادیث اسلامی، دلیل نابود گردیدن اموالی که در دریا و خشکی، دچار حادثه و بلا می‌شوند، نپرداختن زکات است؟! (همان، ص ۴۵۲)

آری به راستی که زکات، رتبه ای بس درخشان و پراهمیت در بین انواع بخششها و صدقات دارد و در کلمات بزرگان دین، خواص و آثار فراوانی برای این واجب، بیان گردیده است.

الزام به نماز و زکات، که همواره در تمام ادیان مورد توجه بوده اند امری عقلی است؛ زیرا نماز به معنای اظهار تواضع و کرنش در برابر حق و زکات به معنای پرکردن کاستیها و ناهمواریهای موجود در عرصه زندگی فردی و اجتماعی است؛ بدین سان که ضرورت این دو مطلب را عقل به خوبی درک می کند.

عقل ما به تنهایی این مطلب را می فهمد و می داند که بایستی در برابر خالق قادر و هستی بخش خویش سر تعظیم و خضوع فرود آورد و در برابر نمادهای فقر مادی در جامعه، دیگر گرا بوده و در این جهت بی تفاوت نباشد. نه تنها عقل بلکه انسان با فطرت پاک خویش این دو حقیقت را می یابد. (همان، ص ۴۵۳)

بنابراین آیاتی از قبیل «أَقِمْوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» (ارشاد و اشاره به حکم عقل دارند و در واقع دو حکم عقلی را مورد تأیید، تاکید و امضاء قرار می دهند. هر چند در ادیان مختلف، این دو امر مهم (زکات و نماز) دارای مصادیق گوناگونی بوده اند؛ لیکن مصداق اکمل آن ها در دین مبین اسلام می باشد.

مبادله یا گردش ثروت به عنوان یکی از پایه های اساسی امور اقتصادی به حساب می آید. اگر چه از نظر تاریخی، «مبادله» پس از تولید و توزیع قرار می گیرد ولی به لحاظ اهمیت کم تر از آن ها نیست؛ زیرا مبادله برای گشایش و رفاه زندگی و پاسخگویی به نیازها و ره سپردن تولید به سوی تخصص و تکامل به وجود می آید. اما با این همه، معضلاتی را بر اقتصاد جوامع تحمیل کرده است.

«ظلم انسان - طبق گفته قرآن کریم - که توده ها را از برکات زندگی و خیرات آن محروم ساخته و در زمینه توزیع ثروت به نفع این یا آن دخالت کرده است... در مبادله نیز سرایت کرده تا آنجا که مبادله را دگرگون کرده و آن را وسیله بهره کشی و پیچیدگی ساخته است... وضع ظالمانه مبادله موجب فجایع و انواع بهره کشیها گردید، بسان همان فجایع و بهره کشیهایی که اوضاع ظالمانه توزیع در جوامع برده داری و

فئودالی، یا در جوامع سرمایه داری و کمونیستی پدید آورد. «(همان، ص ۴۴۶)

معضل گردش در مبادله بر اساس تهاتر (پایاپای) بیش تر از مبادله بر اساس پول (نقدی) بود؛ زیرا بر اساس مبادله تهاتری کسی مثلاً هزار کیلو برنج تولید می کرد و قسمتی از آن را برای نیاز خود بر می داشت و بقیه را با اقلامی که دیگران تولید کرده بودند و وی به آن ها نیاز داشت، معاوضه می کرد.

این گونه مبادلات نمی توانست حیات اقتصادی فرد را ساده تر نموده و در نتیجه همه نیازهای وی را مرتفع سازد؛ زیرا با گذشت زمان نیازهای بیش تر و متنوع تری به وجود می آمد و به همان مقدار مبادلات مشکل تر و پیچیده تر می شد.

بنابر این، جایگزینی مبادله نقدی به جای تهاتری همه مشکلات معاملات پایاپای را برطرف ساخت؛ اقتصاد افراد را ساده و آسان به جریان انداخت، دیگر مسئله توافق بین نیاز مشتری و احتیاج فروشنده در کار نبود، دشواری ارزش گذاری بین اشیاء مرتفع گردید و تعیین ارزش هر کالایی با پول به راحتی صورت گرفت؛ زیرا پول به عنوان معیار کلی ارزش شناخته شد.

این جایگزینی با همه ثمرات مثبت، معضل دیگری به وجود آورد که از معضل تهاتری هم بیش تر و بدتر بود: «ولی با گذشت زمان این جانشینی بدین جا خاتمه نیافت، بلکه کم کم در حیات اقتصادی، نقش خطیری را بازی کرد، تا آنکه مشکلات و گرفتاریهایی از آن پدید آمد که از مشکلات و گرفتاریهای ناشی از معاملات تهاتری کم تر نبود؛ تنها فرق این بود که مشکلات ناشی از معاملات تهاتری طبیعی بود، در صورتی که مشکلات جدید - که از جانشینی پول عاید گردید و انواع ظلم و بهره کشی را پدید آورد - از نوع مشکلات انسانی بود. «(همان، ص ۳۲۸)

باید اذعان داشت که بازگشت این معضل، به ماهیت پول وابسته است؛ زیرا معامله با پول (نقدی) از مانور بیش تری برخوردار است؛ پول با همه کالاها قابل معاوضه می باشد؛ با پول هم می توان برای نیاز خرید کرد و هم برای انباشتن و سودجویی، و در ذخیره کردن و راکد نگه داشتن آن نیازی به هزینه نیست.

«به همین علت، مبادله از وظیفه مصلحت آمیزی که در حیات اقتصادی داشت منحرف

گشت؛ به این معنی که پول، نخست، واسطه بین تولید و مصرف بود، ولی بعد واسطه بین تولید و اندوختن گردید.

بنابر این فروشنده تولید می کند و تولید خویش را با پول مبادله می کند تا این پول را ضمیمه ثروت انباشته شده خویش کند. از طرفی خریدار به فروشنده پول می پردازد تا کالایی را که او می فروشد به دست بیاورد، ولی پس از آن، این خریدار نمی تواند محصول خویش را بفروشد، چون فروشنده پول را اندوخته و آن را از گردش بازداشته است. «(همان، ص ۴۴۱)

«مشکلاتی که از پول ناشی می شود بدین جا خاتمه نمی یابد، بلکه پول معضلی را به وجود می آورد که احیاناً خطیرتر از مشکلاتی است که در پیش بیان کردیم؛ زیرا پول به این اکتفا نمی کند که فقط وسیله ای برای اندوختن باشد، بلکه وسیله ای است برای افزایش ثروت؛ از طریق سودی که وام دهندگان از وام گیرندگان می گیرند یا از طریق سودی که صاحبان پول، به علت سپردن پول خویش به بانک، از بانک دریافت می دارند...

بدین سان از آن هنگام که عصر سرمایه داری آغاز شد، پولها برای رباخواری به بانکها سرازیر گردید. «(همان، ص ۳۲۴)

اما چاره اندیشی اسلام: «اسلام همه این مشکلات را که از پول سرچشمه می گرفت مرتفع کرد و توانست یک وضع طبیعی به گردش پول بدهد و مبادله را همان طور که لازم بود، واسطه بین تولید و مصرف گرداند. «(همان، ص ۴۵۵)

یکی از راه حل‌های اساسی اسلام وضع قانون مالیاتی از نوع زکات می باشد: اسلام اندوختن پول را غیرمجاز شمرده است؛ بدین سان که مالیات زکات را بر پول راکد - به طوری که هر سال تکرار می شود - وضع کرده است. به این ترتیب در صورتی که اندوخته پول برای چند سالی به طول انجامد، این مالیات - تقریباً - همه پول اندوخته شده را به خزانه بیت المال سرازیر می کند.

به خوبی می توان مفهوم فقر و غنا را از نظر اسلام دریافت. در نظر اسلام فقیر کسی است که از چنان سطح زندگی که وضع عمومی جامعه ایجاب می کند برخوردار. . .

نباشد.

به عبارت دیگر، فقیر کسی است که زندگی اش با سطح زندگی ثروتمندان اختلاف زیادی داشته و در دو قطب مخالف یکدیگر قرار دارند. بی نیاز کسی است که در چنین وضعی نبوده و قدرت دارد تا احتیاجات ضروری و غیرضروری خویش را به تناسب ثروت مملکت تأمین نماید؛ خواه آن که سرمایه هنگفتی در دسترس او باشد یا نه.

از آنچه گفته شد می توان دریافت که در اسلام، مفهوم مطلق و ثابتی در کلیه احوال برای فقر منظور نشده است. فقر به طوری که در نص آمده، ناهماهنگی در سطح زندگی همگانی است، نه عدم قدرت بر رفع احتیاجات اساسی به آسانی. به همان نسبت که سطح زندگی ترقی می کند، حد رهایی از فقر نیز بالاتر می رود.

مثلاً اگر در گسترش دامنه رفاه عمومی، وضعی پیش آید که هر خانواده معمولاً بتواند مسکن مستقلی دارا باشد، اگر خانواده ای فاقد مسکن مستقل بود، از این حیث مشمول تعریف واقع و فقیر تلقی می شود. این بسط و انعطاف مفهوم فقر، به ایده توازن جمعی مربوط می شود. (همان)

کلام آخر این که وجود اختلاف طبقاتی و فقر در جوامع بشری مقوله دردناکی است که قابل انکار نیست، و دولت و حکومت مسئولیت خطیری در رفع فقر و ایجاد توازن در بین آحاد جامعه دارد.

همه اینها جزء بدیهیات و واضحات است و هیچ نیازی به توضیح ندارد، تنها باید به این مطلب توجه داشت که: مفهوم فقر در جهان کنونی نیز، با مفهوم آن در عصر نبوت متفاوت است. (همان، ج ۲، ص ۳۳۸)

### آثار خمس

پرداخت خمس و زکات در رشد اخلاقی و تربیتی پرداخت کننده نقشی اساسی ایفا می کند. قرآن می فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ» (توبه، آیه ۱۰۳) از اموال آن ها صدقات را بگیر که در پاک کردن و تزکیه و رشد معنوی آن ها دخیل است، چرا که هر عبادتی ظاهری دارد و باطنی. اراده و نیت و انگیزه شخصی، باطن

عبادت و فرایض مالی را ترسیم می‌کند.

پرداخت خمس اموال به قصد قربت، آثار تربیتی و برکات اقتصادی در پی دارد، اما از نظر تربیتی، انفاق خمس اموال به مثابه دل‌کندن و رهایی از وابستگی آدمی به جذاب‌ترین مظاهر دنیوی است. قرآن می‌فرماید: «وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ» (عادیات، آیه ۸) انسان علاقه بسیاری به مال دارد». از این‌رو مشکل‌ترین دستورات اسلامی، احکام مالی است.

انفاق مال از اهدای جان کمتر نیست. بسا افرادی در راه حفظ مال و منال از جان گذشته‌اند. حریت و آزاد منشی از آن کسی است که از مال بگذرد و اصولاً اطاعت از خدا در انفاق مال، اثرات معنوی بسیار بزرگی دارد. قرآن با توجه به این حقیقت می‌فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ ...» (آل عمران، آیه ۹۲) هرگز به مقام نیکوکاری نمی‌رسید، مگر این‌که از آن چه دوست دارید انفاق کنید.

بی‌دلیل نیست که برخی از مفسران جمله اول آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ» (توبه، آیه ۱۰۳) را به نجات از شرّ حبّ مال و بخل و حسادت، تفسیر کرده‌اند و کلمه «تزکیهم» را رشد و ترقی معنوی و مادی دانسته‌اند؛ یعنی انسان با پرداخت خمس و یا زکات، از پلیدی‌های روحی و روانی پاک می‌شود و زمینه نزول برکات مادی و معنوی را فراهم می‌آورد.

بسیاری از مردم از ترس کمبود مال و فقر و ناداری، زکات و خمس نمی‌دهند، ولی اگر ایمان و توکل به خدا در کار باشد نباید از فقر و ناداری ترس و واهمه‌ای داشته باشند. از همه بالاتر این‌که آن چه موجب اهمیت و عنایت خداوند به این فریضه می‌شود همان تقوا، اخلاص، خوش‌حالی مستمندان و بندگان خدا و بستگان پیامبر است. خدا در قرآن می‌فرماید: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُ ...» (بقره، آیه ۲۴۵)

کیست که به خدا قرض نیکو بدهد تا خدا آن را به صورت افزون برگرداند. ذات اقدس الهی نیازی به استقراض از بندگان ندارد، می‌خواهد بفرماید: کسی که به بنده‌ای قرض بدهد مثل این است که این احسان و هدیه را به خدا داده است؛ در

صورتی که آن چه مورد توجه خدا واقع می شود اخلاص و تقوایی است که باعث این عمل گردیده است. قرآن درباره قربانی کردن می فرماید: «لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَآ دِمَآؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ» (حج، آیه ۳۷) هرگز گوشت و خون قربانی شما به خدا نمی رسد، و لکن تقوای شما که باعث این عمل گردیده است به خدا می رسد.

### نتیجه بحث

نقش خمس و زکات در آیات و روایات بسیار مورد تأکید قرار گرفته است و این دو فریضه تأثیر زیادی در پیشبرد اهداف اقتصاد اسلامی دارد؛ از بین رفتن فاصله طبقاتی، برقراری عدالت، و ریشه کن شدن فقر بخشی از این اثرات است.

خمس و زکات اگر برای رضای الهی و انجام دستور باشد تربیت و تزکیه نفس را به همراه دارد. آثار معنوی زیادی برای زکات ذکر شده است که از آن جمله پیش گیری از حسرت در روز قیامت است.

کسانی که با رسیدن حد نصاب، این فرائض را انجام می دهند، شکر نعمت الهی را به جا آورده اند و از عذاب و مؤاخذة در امان خواهند بود.



### منابع

\*قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی

۱- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۴ هـ ق، **الخصال**، تهران، شفیعی.

۲- (.....)، (.....)، **ثواب الاعمال و عقاب**، ۱۴۰۶، دارالرضی.

**الاعمال**، ترجمه: محمدرضا انصاری محلاتی، قم، دارالرضی.

۳- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۰۴، **من لا یحضره الفقیه**، ترجمه: عزیزالله عطاردی، قم، جامعه مدرسین.

۴- (.....)، (.....)، **عیون الاخبار**، مشهد، آستان قدس

- رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی
- ۴- حرانی، حسن بن علی ابن شعبه، ۱۳۸۳، *تحف العقول*، ترجمه: پرویز اتابکی، قم، دارالحديث.
- ۵- ابن حیون، نعمان بن محمد، بی تا، *دعائم الاسلام*، قاهره، مکتبه مدبولی.
- ۶- بروجردی، سید حسین، ۱۳۹۰، *جامع احادیث شیعیه*، مترجم: احمد اسماعیل تبار و دیگران، تهران، فرهنگ سبز.
- ۷- حر عاملی، ۱۴۰۹، *وسایل الشیعیه*، قم، موسسه آل بیت علیهم السلام.
- ۸- خمینی، روح الله، ۱۳۷۹، *تحریر الوسیله*، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۹- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- ۱۰- عیاشی، محمد بن سعود، ۱۳۶۳، *تفسیر عیاشی*، تهران، العلمیه الاسلامیه.
- قنبری، محمد، ۱۳۸۴، *تفسیر ابوالفتوح*، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحديث.
- ۱۱- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۴۸، *اصول کافی*، ترجمه: جواد مصطفوی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت.
- ۱۲- (.....)، (.....)، (.....)، ۱۰۶۷ هـ ق، *فروع کافی*، تهران، قدس.
- ۱۳- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴، *بحار الانوار*، بیروت، موسسه الوفاء.
- ۱۴- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۶۲، *میزان الحکمه*، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات.
- ۱۵- معین، محمد، ۱۳۷۱، *فرهنگ معین*، تهران، امیر کبیر.
- ۱۶- مظاهری، حسین، ۱۴۱۸، *الاخلاق*، بیروت، دارالمحجّه البیضا.
- ۱۷- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب اسلامیه.
- ۱۸- نوری، حسین، ۱۳۶۶، *اقتصاد اسلامی*، بی جا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۹- نراقی، احمد، ۱۳۹۳، *معراج السعاده*، تهران: برگا.

